



## هجوم اطلاعات فرصت تفکر اصیل را از انسان گرفته است

استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز در مورد شرایط رشد تفکر اصیل نسبت به چند دهه قبل گفت: اگر تفکر اصیل پرداختن به خود باشد امروز نه تنها شرایط برای رشد این تفکر فراهم‌تر نشده بلکه انسان امروز با هجوم اطلاعات و اشتغالات و دغدغه‌های فراوان فرصت اندیشیدن اصیل را از دست داده است.

استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز در مورد شرایط رشد تفکر اصیل نسبت به چند دهه قبل گفت: اگر تفکر اصیل پرداختن به خود باشد امروز نه تنها شرایط برای رشد این تفکر فراهم‌تر نشده بلکه انسان امروز با هجوم اطلاعات و اشتغالات و دغدغه‌های فراوان فرصت اندیشیدن اصیل را از دست داده است.

دکتر قاسم کاکایی درمورد اصالت در تفکر به خبرنگار مهر گفت: کلمه اصالت که در اینجا بکار برید یک مقداری مبهم است. بنظر می‌آید که می‌توانیم یک تفسیری قائل شویم بین اینکه گاهی متعلق اندیشه مورد نظر است. یک وقت دیگر صحبت بر سر این است که شیوه تفکر و اندیشه چیست که در اینصورت صحبت بر سر این است که کدام اندیشه روشمند است و کدام اندیشه غیرروشمند است.

وی افزود: لذا می‌توانیم بگوییم که اگر پای متعلق اندیشه درمیان باشد تفکر اصیل آن تفکری است که ارزش ذاتی داشته باشد. در رأس آنها هم چنانچه عرفای ما گفته‌اند بحث خودشناسی و معرفت نفس است که خود به خود به معرفت خداوند تعالی می‌انجامد. به قول شیخ شبستری "برو ای خواجه خود را نیک بشناس/ که نبود فریبی مانند آماس" یعنی اگر ما خود را دقیق بشناسیم این فریبی است یعنی درجه وجودی ما افزایش پیدا کرده حال اگر خود را نشناسیم شناختمان به بیرون خودمان باشد در اینصورت آماس است یعنی گرفتار تخیلاتی می‌شویم که غیر خود و نه خود را داریم افزایش می‌دهیم.

این استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز در ادامه تصریح کرد: باز به تعبیر شیخ بهایی آن تفکری ارزشمند است که ما را به علم عشق برساند "علم نبود غیر علم عاشقی/ مابقی تلبیس ابلیس شقی".

این نویسنده و مترجم یادآور شد: اما اگر نظر ما به شیوه اندیشه باشد، تفکر اصیل آن تفکری است که روشمند باشد. در این صورت تفکر غیر اصیل تفکر غیر روشمند است. هر علمی هم، متعلقش هرچه باشد بالاخره روشی دارد که باید طبق آن روش جلو رفت حتی علم خودشناسی و خداشناسی.

کاکایی در مورد نیاز ما به تفکر اصیل همچنین اظهار داشت: با توجه به بحثی که کردیم منظور از تفکر اصیل را دو قسمت کردیم. اگر متعلق اندیشه در میان باشد ما به تفکر اصیل نیاز داریم چونکه این تفکر و اندیشه اصیل که همان خودشناسی باشد اساس وجود ما را تشکیل می‌دهد. و هرچه از آن دورتر بشویم خودمان را از دست داده‌ایم و هرچه که به آن نزدیکتر بشویم خودمان را یافته‌ایم. لذا اصل ذات ما را این تفکر تشکیل می‌دهد. به تعبیر مولانا "ای برادر تو همه اندیشه‌ای/ مابقی خود استخوان و ریشه‌ای".

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی خاطرنشان کرد: اما اگر نظرمان به تفکر روشمند باشد و تفکر اصیل را تفکر روشمند بدانیم بلکه مسلم است که تفکر بدون روش و شیوه صحیح ما را نه تنها به سر منزل مقصود نمی‌رساند بلکه چه بسا گرفتاریهای بزرگی هم برای ما ایجاد می‌کند. چنانچه در روایات داریم که کسی که بدون علم وارد کاری شود (که در اینجا منظور از علم روش است) فسادی که آن فرد بالا می‌آورد بسیار بیشتر از اصلاحی است که فرد به بار می‌آورد. لذا ما در هر کاری اعم از پژوهش، سیاست و اقتصاد اگر چه هیجان‌زده و بدون روش و کار به تعبیر امروزها کار کارشناسی وارد شویم این تفکر ما را به سر منزل مقصود نمی‌رساند بلکه فساد بیشتری هم ایجاد می‌کند.

کاکایی در مورد شرایط رشد تفکر اصیل نسبت به چند دهه قبل نیز گفت: باز هم برمی‌گردم به همان تفسیری که ابتدای بحث قائل شدیم. اگر متعلق تفکر را در نظر بگیریم که تفکر اصیل پرداختن به خود باشد امروز نه تنها شرایط برای رشد این تفکر فراهم‌تر نشده بلکه انسان امروز با هجوم اطلاعات و اشتغالات و دغدغه‌های فراوان فرصت اندیشیدن اصیل را از دست داده است. دیگر حتی فرصت نمی‌کند که به خودش بیندیشد و همیشه نظر بیرونی دارد. اطلاعاتی که شما بر فرض از اینترنت بدست می‌آورید هیچ وقت راجع شناخت خودتان نخواهد بود.

وی در پایان یادآور شد: اگر مراد از اصالت بحث شیوه و روش باشد بلکه امروز هم اطلاعات بسیار گسترش پیدا کرده و داده‌های بسیاری را ما می‌توانیم با تکنولوژی جدید بدست بیاوریم و هم تکنیکهای پژوهشی بسیار عمق پیدا کرده لذا در هر زمینه‌ای که ما بخواهیم تفکر کنیم ابزار تکنولوژی جدید قطعاً به کار اندیشه سرعت خواهد داد و بسیار مؤثر خواهد افتاد.

